

یک تحلیلگر مسائل بین الملل در خصوص مذاکرات ایران و اروپا و مزدیک کردن ایران و غرب به توافق اظهار داشت: اگر بخواهیم مذاکرات امروز را در استانبول با سه یا چهار دور مذاکرات قبلی میان تیم ایرانی و اروپایی مقایسه کنیم، امیدواری نسبت به مذاکرات امروز بیشتر است؛ چراکه تحولات جدیدی رخ داده که این امیدواری را تقویت می‌کند. عبدالرضا فرجی راد گفت: برای مثال ایران اعلام کرد که اجازه داده گروهی از آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به ایران بیایند و درباره نحوه ادامه فعالیت‌های آژانس در ایران با طرف ایرانی گفت‌وگو کنند تا ببینند می‌توانند به توافقی برسند یا خیر. این موضوع برای اروپا اهمیت زیادی دارد. از سوی دیگر، اروپا نیز چراغ سبزی نشان داده و تمایل نسبی خود را برای به تعویق انداختن بازگشت قطعنامه‌های شورای امنیت در مهرماه اعلام کرده است. آنها خودشان هم تمایل چندانی به فعال سازی ماشه ندارند، چون نگران هستند در صورت فعال شدن آن، ایران از NPT خارج شود و نظرات آژانس بر فعالیت‌های هسته‌ای ایران قطعنامه‌هایی که بر اساس قطعنامه ۲۲۳۱ تعلیق شده بودند، پایان یابند. وی افزود: اتفاقاً یکی از نکات مهم مذاکرات امروز این است که اروپایی‌ها بارها اعلام کرده‌اند این گفت‌وگو‌ها با هماهنگی کامل با آمریکا انجام می‌شود. یعنی ایالات متحده در جریان کامل مذاکرات قرار دارد و آن را همراهی می‌کند. احتمالاً آمریکابر اساس اطلاعاتی که از این مذاکرات دریافت می‌کند، برای دوره‌های بعدی مذاکرات آماده می‌شود. من پیش بینی می‌کنم مذاکرات دوم و سوم دیگری نیز میان ایران و اروپا برگزار شود. بعید است که تنها با یک دور مذاکره، به توافق نهایی برسند. اما اگر طرفین به توافق نسبی برسند، این گفت‌وگو‌ها می‌تواند تأثیر مثبتی بر مذاکرات احتمالی میان ایران و آمریکا داشته باشد. سفیر سابق ایران در نروژ و مجارستان در مورد پیشنهاد اروپایی مبنی بر تعویق شش ماهه مکانیسم ماشه بیان کرد: بالاخره احتمالاً طرف ایرانی علاقمندی را در خصوص به تعویق افتادن بازگشت قطعنامه‌های پیشین از طریق مکانیسم ماشه دریافت کرده که البته ما دقیقاً نمی‌دانیم این تعویق چه مدت خواهد بود؛ در خبرها آمده بود ۶ ماه تا یک سال. قاعدتاً بعد از اخباری که از مذاکرات امروز به دست می‌آید بهتر می‌توانیم تحلیل کنیم. برخی نشانه‌ها از سمت ایران حاکی از آن است که احتمال تعویق فعال سازی مکانیزم ماشه تا بعد از اکتبر وجود دارد. البته زمان دقیق آن هنوز مشخص نیست؛ در برخی خبرها حتی صحبت از تعویق یک ساله مطرح شده است. این مساله نیازمند بررسی بیشتر است. اگر مذاکرات روند مثبتی داشته باشد، طبیعتاً وضعیت بهتری ایجاد می‌شود، تنش‌ها کاهش می‌یابد و احتمال درگیری نیز کم‌تر خواهد شد. در شرایط فعلی که در فضای تنش و درگیری قرار داریم، هرگونه پیشرفت در مذاکرات می‌تواند به کاهش این بحران کمک کند.

بازگشت به برجام

فرجی راد در خصوص مواضع اروپایی‌ها اظهار کرد: این موضوع دلایل متعددی دارد. تاپیش از جنگ اوکراین، روابط ایران و اروپا تقریباً در وضعیت ثباتی بود، نه پیشرفتی داشت و نه تنش خاصی. درگیری‌ها به چند زندانی و گفت‌وگوهای پراکنده محدود بود. اما از زمانی که بحث کمک نظامی ایران به روسیه و ارسال پهپادهای شاهد مطرح شد، و اخیراً نیز ادعاهایی درباره ارسال موشک، اروپایی‌ها احساس تهدید کردند. آنها گفتند موضوع تنها اوکراین نیست، بلکه امنیت اروپا نیز در خطر است. همین باعث شد مواضع‌شان نسبت به ایران تندتر شود. در کنار این، تعلیق همکاری ایران با آژانس هم برای آنها نگران‌کننده بود، چون احتمال خروج ایران از NPT را افزایش می‌داد. همچنین، وقوع درگیری‌های مستقیم میان ایران، اسرائیل و آمریکا در هفته‌های اخیر، احساس خطر اروپا را بیشتر کرد. لذا تمایل دارند دوباره به مسیر گفت‌وگو بازگردند. سه دور مذاکره قبلی بیشتر جنبه ازبایی داشتند، اما مذاکرات امروز در استانبول احتمالاً وارد جزئیات خواهد شد. ضمن اینکه ایران، روسیه و چین نیز نسبت به قانونی بودن اقدامات اروپا برای فعال سازی مکانیزم ماشه ابراز تردید کرده‌اند. این کارشناس مسائل بین الملل در خصوص ادعای غیر قانونی بودن فعال سازی مکانیزم ماشه از سوی اروپایی‌ها عنوان کرد: ایران می‌گوید غنی سازی ۳ و ۶۰ درصد انجام داده اما نه برای ساخت سلاح، بلکه در اکتش به خروج آمریکا از برجام و عدم اجرای تعهدات اروپایی‌ها در ده سال گذشته. حالا اگر ایران اعلام آمادگی کند برای بازگشت به سطح غنی سازی ۳۰ تا ۶۷ درصد مندرج در برجام، و مفاد توافق را رعایت کند، چه دلیلی برای فعال سازی مکانیزم ماشه وجود دارد؟ در حالی که ایران آمادگی بازگشت به برجام را دارد، اروپا و آمریکا هر روز تهدید به فعال سازی ماشه می‌کنند. اگر این اتفاق بیفتد، تحریم‌های سازمان ملل بازمی‌گردند، آژانس از ایران خارج می‌شود و تنش‌ها به‌طور جدی افزایش خواهد یافت. اروپایی‌ها این موضوع را به خوبی درک کرده‌اند.

سید آرش میلانی در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

آب تهران در وضعیت

سی‌سی‌یو



منابع آب تهران در وضعیت سی‌سی‌یو قرار دارد

با مدیریت عرضه نمی‌توان تهران را نجات داد

آرمان ملی: نگاهی به آمارهایی که عیسی کلانتری، وزیر اسبق کشاورزی، در ارتباط با آب و ذخایر آن ارائه می‌دهد، نشان می‌دهد که بحران آب در ایران از خط قرمز هم عبور کرده و اکنون آب برای ایران به یک ابر بحران تبدیل شده است. چند روزی است که در پایتخت ایران، مردم با مشکلات آب دست و پنجه نرم می‌کنند. نه تنها برق در چند نوبت قطع می‌شود که همین باعث توقف عملکرد پمپ‌ها می‌گردد، بلکه پس از آن چندان آبی هم در لوله‌ها نیست که به دست مصرف‌کنندگان برسد. به عبارتی، ساکنان تهران، به‌ویژه در مناطق حاشیه‌ای، بعضاً تا ۴ ساعت آب ندارند. از سوی دیگر، منابع تأمین آب تهران در شرایط بسیار بدی قرار دارد. اگر صرفه جویی لازم صورت نگیرد، احتمال آن هست که در دو ماه آینده سدهای مخزنی اصلی تأمین‌کننده آب تهران عملاً از مدار خارج شوند. به نظر می‌رسد فاجعه بیخ گوش تهران است، چرا که این روزها صاحبان مشاغل

از مدت‌ها قبل اعلام می‌شد که باید در مصرف آب صرفه جویی کرد، اما به یک باره شرایطی پیش آمد که قابل باور نیست: در تهران چندین ساعت آب نیست و مسئولان آمار می‌دهند که گویی باید برای دوران سخت‌تری هم آماده شویم. وضعیت آب در پایتخت ایران چگونه است؟ گزارش‌هایی که وزارت نیرو و سازمان هواشناسی درباره میزان بارندگی و ذخایر آب منتشر کرده‌اند، به‌وضوح نشان می‌دهند که وضعیت آب خوب نیست. این گزارش‌ها علمی و شفاف هستند. در حال حاضر، منابع آبی در دسترس به دلیل تغییرات اقلیمی و افزایش مصرف در بخش‌های مختلف، از جمله صنعت و آب شرب و همچنین کمبود سرمایه‌گذاری در منابع جدید برای تأمین آب سالم و بهداشتی، دچار بحران شده‌اند. در واقع، دارایی‌های آبی ما شامل بارش‌ها، ذخایر سطحی و سفره‌های زیرزمینی، با چالش‌های جدی روبه‌رو شده‌اند و در طرف مصرف نیز شاهد رشد تقاضا در صنعت، مصرف خانگی و کشاورزی هستیم.

آیا این اتفاق ناگهانی بود و ما وارد وضعیت بحرانی شدیم که هم ذخایر کم شد و هم مصرف در هر سه حوزه مصرفی و کشاورزی افزایش یافت؟

خیر، این طور نیست. این روند تدریجی بوده است. در کشور ما اولویت‌های متعددی وجود دارد که باعث شده توجه کافی به کاهش ذخایر و افزایش مصرف آب نشود. در گذشته کارشناسان میزان مصرف روزانه آب در تهران را یک میلیارد لیتر اعلام می‌کردند، اما اکنون این عدد به یک میلیارد و سیصد میلیون لیتر رسیده است. ۷۰ درصد این منابع قبلاً از سدها تأمین می‌شد، اما حالا بیشترین از چاه‌های زیرزمینی استفاده می‌شود. در طول ده سال گذشته این اتفاق افتاده است. اطلاعات درباره منابع محل تأمین آب تهران منتشر شده و هشدار داده شده‌اند، اما ساختار مدیریتی به‌گونه‌ای است که مسائل مهم‌تری روی میز تصمیم‌گیری قرار داشته و تازمانی که بحران محیط‌زیستی به چالش واقعی تبدیل نشود، توجه جدی به آن نمی‌شود.

در ارتباط با تغییرات اقلیمی چه نظری دارید؟ آیا بخش مهمی از شرایط فعلی ناشی از تغییر اقلیم است؟

متأسفانه تغییرات اقلیمی به عنوان پوششی برای ضعف مدیریت منابع آب در کشور استفاده می‌شود. برخی صاحب‌نظران اصلاً به تغییر اقلیم اعتقادی ندارند و مدعی‌اند ما منابع آب کافی داریم، که چنین نیست. برخی هم گرچه وجود تغییر اقلیم را قبول دارند، اما از آن برای پاسخ‌گو نبودن استفاده می‌کنند. این در حالی است که در جهان، حدود ۴۰ سال است بحث تغییر اقلیم جدی گرفته شده است. در دولت‌های روحانی، بحث سازگاری با کم‌آبی در وزارت نیرو مطرح شد، اما با تغییر دولت، این برنامه به فراموشی سپرده شد و تمرکز به تأمین فوری و اضطراری آب تغییر کرد. کشورهایی مانند تاجیکستان، با وجود سرانه بالای آب، پایش منابع را جدی گرفته‌اند. اما در ایران، حتی در وزارت نیرو، پایش دقیق منابع آب در اولویت نبوده و توجه کافی به داده‌های اقلیمی صورت نگرفته است. ما نه هشدار دادیم، نه سرمایه‌گذاری کردیم و اکنون برخی صراحتاً تغییر اقلیم را انکار می‌کنند!

منبربینی به سبک علی لاریجانی
در هیات میثم مطیعی

چگونه رئیس مجلس قانون‌گذار برجام روی منبر مداح ضد برجام سخنرانی کرد

انتشار خبر حضور علی لاریجانی رئیس سابق مجلس شورای اسلامی در هیات میثم مطیعی، حتی پیش از آن که متن اظهارات لاریجانی در تشریح مختصات مذاکره در شرایط امروز منتشر شود به خودی خود ارزش خبری مهمی داشت. این خبر و به دنبال آن انتشار تصویر نشسته علی لاریجانی روی منبری که مطیعی عموماً روی آن مداحی می‌کند، یک پارادوکس به تمام معنا بود؛ رئیس مجلس حامی مذاکرات که به خاطر ریاست بر مجلسی که برجام را تصویب کرد توسط شورای نگهبان رد صلاحیت شد، در هیاتی با مداحی میثم مطیعی – فارغ التحصیل دانشگاه امام صادق که به صورت ویژه علیه مذاکرات و برجام مداحی می‌کرد- حاضر شد. فراموش نکنیم علی لاریجانی دبیر شورایعالی امنیت ملی در دهه ۸۰ است؛ وقتی «بیانیه تهران» بین ایران و سه کشور اروپایی ثبت شد، او در نقش «پلیس بد» که مقابل حسن روحانی که رل «پلیس خوب» را ایفا می‌کرد، قرار گرفت. همان زمان در گفت‌وگویی جمله معروف‌اش درباره «بیانیه تهران» و تعلیق غنی سازی را گفت: «در غلطان دادیم و آب نبات گرفتیم». به فاصله کمی از ادای این عبارت توسط لاریجانی، محمود احمدی نژاد رئیس جمهور شد و از ابتدای کار با زستی فیدل کاستروگونه شمشیر علیه مذاکرات بست. لاریجانی نتوانست با احمدی نژاد «ضد مذاکره» که هیچ درکی از سازوکارهای بین‌المللی نداشت، کار کند و از دبیری شورای عالی امنیت ملی استعفا داد.

هم این استعفا و هم رویه سال‌های بعد لاریجانی، نشان داد آن جمله لاریجانی نه دیدگاه واقعی وی به موضوع بیانیه تهران و مذاکرات که نوعی پالس سیاسی در تقسیم کار با مؤلف سیاسی اش یعنی حسن روحانی، در عرصه سیاست داخلی و خارجی بوده است. حضور علی لاریجانی بر روی این منبر نکته مهم دیگری را نیز در دل خود دارد؛ رئیس ۳ دوره مجلس شورای اسلامی که ۱۲ سال پیش در حرم حضرت معصومه (س) در قم – پایتخت سیاسی جبهه پایداری و حامیان سعید جلیلی – هدف مهر نماز تندروها قرار گرفت، روی منبر هیاتی سخنرانی کرد که تا همین چند وقت پیش خار چشم مستمعین آن بود. قطعاً در این جلسه مردانی با نیم‌نگاه به رویکردهای سیاسی جبهه پایداری پای منبر او نشسته بودند. مردانی که سن و سال‌تر و البته هم سن و سال میثم مطیعی، شاید فارغ التحصیل از دانشگاه امام صادق یا دانشجویان فعلی این دانشگاه، هم‌تراز همه این «شاید»‌ها اما نکته دیگری بین مردان حاضر پای ای منبر اشتراک زیادی داشت؛ مردانی بریده از در دانه جبهه پایداری و مصباح یزدی در دهه ۸۰ و ۹۰؛ سعید جلیلی.

فداییان جلیلی پای منبر لاریجانی

از همان ابتدای انتشار تصویر علی لاریجانی در حساب کاربری میثم مطیعی که نوشت «جهاد تبیین در هیات آیین حسینی با حضور دکتر علی لاریجانی» دو نکته حتی پیش از اتمام سخنرانی لاریجانی روشن بود. نخست این که رفتن علی لاریجانی به هیات مطیعی یک پیام سیاسی روشن در تفکیک و مرزبندی جدیدی در جریان راست انقلابی دارد. پیامی بر این مبنا که بخشی از نیروهایی که تا دیروز ذیل عنوان «انقلابی» فعالیت می‌کردند احتمالاً زبان تلخ و تندی در نقد امثال علی لاریجانی داشتند و قطعاً زیر علم سعید جلیلی و جریان او سینه می‌زدند، حالا بی‌صدا از آن اردوگاه بیرون آمده و پای صحبتی‌های علی لاریجانی نشسته‌اند. دوم این که نباید فراموش کرد که نوع نگاه بخش‌های نائیزگذار در حاکمیت به حلقه سعید جلیلی در شرایط فعلی کشور به خصوص بعد از روی کار آمدن دولت سیزدهم در تغییرات تقسیم بندی هادر داخل طیف انقلابی تأثیر بسیاری دارد. سوم نیز عاملی نشأت گرفته از دولت سیزدهم است. تردیدی نبود و نیست که بخش مهمی از دولت سیزدهم رانبروهای سعید جلیلی تشکیل می‌دادند و ناگزیر عملکرد این دولت به پای جلیلیون نوشته شد. البته برداشتی عکس این تفسیر نیز بیان می‌شود. چندی پیش سید حسین نقوی حسینی، از نزدیکان سعید جلیلی در ستادهای انتخاباتی اش در سال‌های ۹۲ و ۹۶ در گفت‌وگویی با رویداد ۲۴ تأکید کرد که این عملکرد دولت سیزدهم و چهره‌های آن بود که بر روی میزبان و کاهش رای سعید جلیلی در انتخابات تیرماه سال گذشته تأثیر گذاشت.

تغییر وضعیت لاریجانی

در بررسی حضور لاریجانی در هیات مطیعی یک نکته دیگر را هم باید در نظر داشت. علی لاریجانی بعد از رخداد‌های سال گذشته در منطقه جایگاه ویژه‌ای پیدا کرد و اگر دوبار دق الباب او برای انتخابات ریاست جمهور با مخالفت شورای نگهبان رو به رو شده بود اما او بعد از ۴ سال ریاست بر مجلس نقش تازه‌ای در تحولات منطقه‌ای با عنوان «مشاور رهبری انقلاب» پیدا کرد. مشخصاً این نقش تازه مورد توجه طیفی از نیروهای انقلابی قرار گرفته و دوباره سلام لاریجانی را به گرمی پاسخ می‌دهد. همان طیفی که وقتی تغییر مختصات جایگاه سعید جلیلی را می‌بیند با احترام از او فاصله می‌گیرد، در زمان تعریف نقش‌های جدید برای علی لاریجانی او را بالای منبر هم می‌نشانند.

هوشمندی در سخنرانی

علی لاریجانی به خوبی مخاطبان خود در این هیات را شناسایی کرده و در نحوه سخنرانی خود مساله را مذاکره را یک تاکتیک تعریف کرده است. مشخصاً لاریجانی پیش از این نیز در طیفی نبود که حیات و ممات سیاست کشور را در مذاکره بدانند اما این که در هیات مطیعی در جمع انقلابی‌هایی که احتمالاً در جیب بسیاری از آنها کارت دانشگاه امام صادق است، تأکید می‌کند که مذاکره تنها یک تاکتیک است، هوشمندی او را نشان می‌دهد. کما این که در خلال سخنان خود به صراحت تأکید کرد مذاکره خیانت نیست تا بر مواضع قبلی خود نیز مرور و تأکید می‌داشته باشد.

اطراف تهران، یعنی کارگاه‌ها و کارخانه‌ها، علاوه بر قطع برق، با بحران آب هم مواجه شده‌اند. شهروندان تهرانی نیز به دنبال تهیه منابع ذخیره آب هستند و طبق توصیه‌ها، ضروری است که برای تمام آپارتمان‌های شهر تهران پمپ آب تهیه شود. اما چرا به اینجا رسیدیم؟ مشکل کجاست؟ چه باید کرد؟ تهران شهری باتوان تاب‌آوری بالا معرفی می‌شود، اما وقتی آب نلشاند، آیا هنوز می‌توان چنین ادعایی داشت؟ «آرمان ملی» در این ارتباط با مهندس آرش میلانی، مشاور کنونی رئیس سازمان محیط زیست در امور محیط زیست شهری، گفت‌وگو کرده است. او معتقد است حالا که بحران آب به تهران رسیده، فرصت مناسبی فراهم شده تا شهروندان تهرانی به الگویی برای تمرین افزایش تاب‌آوری در حوزه آب تبدیل شوند؛ چراکه معمولاً وقتی بحران‌ها به پایتخت می‌رسند، برای حل آنها دستور کار تعریف می‌شود و این، به نفع کل ایران است.

متر معکب آب مصرف می‌کند، با کاهش این مصرف، جایگزینی گونه‌های مقاوم به خشکی، و کنار گذاشتن چمن‌کاری، می‌توان کنترل بهتری بر مصرف داشت. موضوع آب، مانند برق نیست که بتوان نیروگاه خورشیدی ساخت یا از همسایه‌ها وارد کرد. نیاز به زمان، فرهنگ سازی و مشارکت مردمی دارد. مفهومی به نام «روز صفرایی» مطرح شده است؛ یعنی روزی که کمتر از ۵۰ لیتر آب در روز برای هر شهروند باقی می‌ماند. اولین بار، شهرکیپ تاون در آفریقای جنوبی این روز را تجربه کرد و با بسج عمومی، از بحران گذشت. اما پس از آن تاب‌آوری خود را تقویت کرد و الگوی مصرف را تغییر داد.

آلان تهران در وضعیت روز صفرایی قرار دارد؟

همیشه این خوش بینی وجود داشت که تهران به روز صفرایی نمی‌رسد. اکنون هم برخی مسئولان می‌گویند با صرفه جویی ۱۰ تا ۲۰ درصدی می‌توان از بحران گذشت. اما واقعیت تلخ آن است که تهران با «تنش آبی شدید» روبه‌روست. یعنی منابع موجود پاسخ‌گو جمعیت نیست و در آینده وضعیت بدتر هم خواهد شد. ما باید با این واقعیت تلخ روبه‌رو شویم و به‌نوعی «داروی تلخ» بخوریم. اکنون افت فشار داریم، به سمت جیره‌بندی و حتی قطع شبکه آب پیش می‌رویم، اما بسیاری حاضر به پذیرش این واقعیت نیستند. در برخی شهرها مانند اصفهان، تجربه بحران و شوک وجود دارد و آمادگی بیشتری در میان مردم دیده می‌شود. در تهران نیز باید این آمادگی به‌وجود آید. در بحران‌هایی مثل بحران آب، تازمانی که پایتخت‌نشینان دچار آن نشوند، موضوع به بحران ملی تبدیل نمی‌شود. در ۱۰ سال گذشته، ده‌ها شهر در اصفهان، خوزستان، یزد و... با بحران آب مواجه بودند، اما چون تهران درگیر نبود، مسأله در سطح ملی دیده نمی‌شد. حالا ما بحران به پایتخت رسیده و باید به عنوان یک مسئله ملی با آن برخورد کرد.

ممکن است در تهران روزگاری به نقطه بحرانی در ورشکستگی آب برسیم تا چالش‌ها و بحران‌های اجتماعی ناشی از آن را محاطه کنیم؟

باید به تجربه جهانی نگریست. در این تجربه کسب و کارها و معیشت جامعه تحت بحث مسائل انرژی قرار می‌گیرد. کلاتشهرها منابع قدرت و رشد را دارند. بخشی از آن به علت مرکزیت است و بخشی از آن به خاطر مزیت‌هایی است که تقویت شده اما این تضمین کننده رونق همیشگی کسب و کار نیست. اگر آب و برق و انرژی در شهر نباشد این زیرساخت‌ها در شهر تضمین نشود، به تدریج سرمایه‌گذاران و افرادی که موتور رشد هستند سرمایه‌های خود را به شهر دیگر و حوزه دیگر منتقل می‌کنند و این مورد باعث می‌شود که کسب و کار و رونق اقتصادی کمتر شده و به تدریج رق و سرمایه‌گذاری نیز کاهش یابد و شهر در مشکل شود. اکنون به علت برخی موارد در برخی شهرهای آمریکا شمالی این شهرها از درجه‌ای که قبلاً داشته‌اند، سقوط کرده‌اند. آب سالم و بهداشتی برق و انرژی برای شهرهاست و اگر این موارد در شهر کم شده باشد، بخش‌های اقتصادی مراکز تولید خود را منتقل می‌کنند. هیچ تضمینی وجود ندارد شهری که توان نسبی خود را از دست داده و خدمات اکوسیستمی آن از دست برسد رتبه ریسک پذیری آن افزایش یابد و شهرهای رقیب و حتی کشورها رقیب این مقام را از آن شهر و کشور می‌گیرند.

بهبود شرایط نشد. خیلی مواقع، بر عکس هم شده و بر خلاف چیزی که گفته‌اند اتفاق افتاد. این مسئله خیلی مهم است. در زمینه‌های مختلف باید واقع‌گرا باشیم و از توهم خارج شویم. بسیاری از اینها که تسلطی روی بعضی از سازمان‌ها و نهاد‌های حاکمیتی دارند بیشتر با توهم زندگی می‌کنند تا با واقع‌گرایی در کشور. وی تصریح کرد: بنابراین ضرورت دارد یک واقع‌گرایی در کشور رخ دهد اما اینکه چگونه این مسأله حل شود و این قدرت از آنها کم شود، بستگی دارد به مسئولان و خود رئیس جمهور. هاشمی طباطبائی کرد؛ دولت به نام وفاق، افرادی را در دولت پذیرفت که با فکر گسترش دیپلماسی مخالفند و همسو نیستند. این نکته هم باید اصلاح شود تا این روابط بتواند شکل بهتری داشته باشد.

در دولت آقای روحانی، بحث سازگاری با کم‌آبی در وزارت نیرو مطرح شد، اما با تغییر دولت، این برنامه به فراموشی سپرده شد و تمرکز به تأمین فوری و اضطراری آب تغییر کرد

وضعیت منابع آب در تهران چگونه است؟ وضعیت منابع آب تهران اصلاً مطلوب نیست. آمارهایی که درباره مهم‌ترین منبع تأمین آب در پایتخت یعنی پشت سدها، ارائه شده، وضعیت را مشخص می‌کند. موضوع به قدری جدی است که وزارت نیرو اعلام کرده آب مورد استفاده برای آبیاری فضای سبز را به سیستم آب شرب متصل خواهد کرد. یعنی باید بین آب شرب و فضای سبز یکی را انتخاب کرد. استفاده از آب تصفیه‌شده برای فضای سبز از ۱۰ سال قبل مطرح بود و قرار بود بسیاری از چاه‌هایی که آب فضای سبز را تأمین می‌کردند، بسته شوند. همچنین قرار بود درختانی که نیاز کمتری به آب دارند جایگزین شوند. اما وقتی این موارد اجرا نشود، سفره‌های زیرزمینی تهران تنها برای مدتی محدود پاسخگو خواهند بود. ۵ سال خشکسالی بیابای، منابع آب ضعیف ایران را به وضعیت «سی‌سی‌یو» رسانده است.

اکنون که وضعیت به این نقطه رسیده و مردم و صنعت با بحران دست و پنجه نرم می‌کنند، در حالی که فرهنگ صرفه جویی هم نداریم، چه باید کرد؟

برخی متخصصان دیگر واژه «بحران آب» را کافی نمی‌دانند و از اصطلاح «ورشکستگی آبی» استفاده می‌کنند. دیگر کار منبع لیزال الهی خبری نیست. باید بپذیریم که باید مصرف را لاغر کنیم و با شرایط موجود سازگار شویم. باید از «مدیریت عرضه» به «مدیریت تقاضا» تغییر رویکرد دهیم. مدیریت عرضه یعنی آوردن آب از نقاط مختلف به تهران، اما اکنون حتی مردم مناطق تأمین‌کننده آب هم حقوق آبی خود را مطالبه می‌کنند. به عنوان مثال، اگر آب سد طالقان را به تهران بیاوریم، سال آینده چه‌ا؟ پس باید مصرف را بهینه کرد. فضای سبز تهران سالانه ۲۰۰ میلیون

متأسفانه تغییرات اقلیمی به عنوان پوششی برای ضعف مدیریت منابع آب در کشور استفاده می‌شود. برخی صاحب‌نظران اصلاً به تغییر اقلیم اعتقادی ندارند و مدعی‌اند ما منابع آب کافی داریم، که چنین نیست. برخی هم گرچه وجود تغییر اقلیم را قبول دارند، اما از آن برای پاسخ‌گو نبودن استفاده می‌کنند. این در حالی است که در جهان، حدود ۴۰ سال است بحث تغییر اقلیم جدی گرفته شده است. در دولت‌های روحانی، بحث سازگاری با کم‌آبی در وزارت نیرو مطرح شد، اما با تغییر دولت، این برنامه به فراموشی سپرده شد و تمرکز به تأمین فوری و اضطراری آب تغییر کرد. کشورهایی مانند تاجیکستان، با وجود سرانه بالای آب، پایش منابع را جدی گرفته‌اند. اما در ایران، حتی در وزارت نیرو، پایش دقیق منابع آب در اولویت نبوده و توجه کافی به داده‌های اقلیمی صورت نگرفته است. ما نه هشدار دادیم، نه سرمایه‌گذاری کردیم و اکنون برخی صراحتاً تغییر اقلیم را انکار می‌کنند!

سید مصطفی هاشمی طباطبائی:

به واقع‌گرایی نیاز داریم نه توهم اقلیت تندرو!

حاکمیت و دولت قرار گیرد. آب و محیط زیست دو نمونه حیاتی محسوب می‌شوند، اما به‌طور کل، ایران دچار مشکلات متعدد داخلی از نظر سرزمینی است. مسائل زیست محیطی مثل آب و از دست رفتن آب‌های زیرزمینی، موضوعی کاملاً غیرقابل بازگشت است.

بعضی دوستان در زمینه تغییر رویکردها روی مسائل سیاسی و اجتماعی نظر دارند اما به عقیده من در وهله نخست، برای حفظ ایران، تغییر رویکردها در حوزه‌های آب و مسائل زیست محیطی ضرورت بیشتری دارد. سید مصطفی هاشمی طباطبائی در مورد جریانی که همواره اصرار بر وضع موجود دارند و مناع تراشی می‌کنند گفت: عملاً که مانع سازی می‌کنند، اما هیچ کدام از پیش‌بینی‌ها و نظرات‌شان باعث

در روزهای بعد از جنگ ایران و اسرائیل طیفی از اساتید دانشگاه و اقتصاددان‌ها از تغییر پارادیم‌ها و رویکردهای حاکمیت در حوزه‌های مختلف اقتصادی، سیاست داخلی، دیپلماسی و... سخن گفتند و عده‌ای از سیاست‌پو و جامعه‌شناسان و تحلیلگران هم بر تغییر رویکرد حاکمیت با مردم تأکید کردند. اخیراً نیز علی اکبر ولایتی مشاور رهبر انقلاب در صفحه شخصی خود در فضای مجازی نوشته بود: مردم خود را اثبات کردند و اکنون نوبت مسئولین است، شیوه‌های منقضی شده دیگر پاسخگو ی جامعه پس از جنگ نخواهد بود. در همین راستایک فعال سیاسی اصلاح طلب در خصوص تغییر رویکردهای حاکمیت اظهار داشت: به نظر من مسأله سرزمینی باید در صدر اولویت‌هایبری تغییر در رویکردهای